



گناه و عواقب آن

مطالعه: پیدایش، باب ۲ و ۳

گناه چیست؟

گناه سرپیچی از فرمان خداست: "و هر که گناه را به عمل آورد، بر خلاف شریعت عمل می کند زیرا گناه مخالف شریعت است" (اول یوحنا، باب ۳، آیه ۴). کتاب بطور واضح نشان داده است که ما همه گناه کاریم. "کسی عادل نیست، یکی هم نی" (رومیان، باب ۳، آیه ۱۰). عبارتی که کتاب مقدس برای گناه استفاده می کند "از دست دادن نشانه" است. یک کماندار ممکن است هنگام پرتاب تیر خود نشانه ای را که در نظر گرفته بود از دست بدهد. ما نیز همین گونه هستیم. وقتی گناه می کنیم نشانه را از دست می دهیم. نشانه مثال کاملی است که توسط عیسی مسیح برای ما مشخص شده است. او استاندارد های خدا را با روش زندگی خود به ما نشان داد. مثال او هدفی است که باید برای زندگی خود در نظر بگیریم. وقتی از استاندارد های خدا خارج می شویم گناه می کنیم: "زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند." رومیان، باب ۳، آیه ۳

اکثر ما مرتکب جرایم بزرگی از قبیل قتل، زنا و دزدی نشده ایم، پس خود را گناه کار نمی دانیم و بر این باوریم که انسان های خوبی هستیم و نزد خدا قابل قبولیم. ما خودمان را فریب می دهیم، هر وقت که نشانه را از دست بدهیم، چه کم و چه زیاد، گناه کرده ایم. "هر نا راستی گناه است..." (اول یوحنا، باب ۵، آیه ۱۷) غلاطیان، باب ۵ فهرستی از گناهان را فراهم کرده است که شامل خشم، حسد، مستی و تمام نا راستی هایی که ما آن را گناه به حساب نمی آوریم می شود. باید به هشدارها دقت کنیم. با وجود ادامه این اعمال نمی توانیم در ملکوت خدا حضور داشته باشیم. "و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور و بت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعتها و حسد و قتل و مستی و لهوو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می دهم چنانکه قبل از این دادم که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی شوند." غلاطیان، باب ۵، آیات ۱۹ تا ۲۱

گفتن سخن باطل و دروغ نیز گناه محسوب می شود: "لیکن الحال شما همه را ترک کنید، یعنی خشم و غیظ و بدخویی و بد گوئی و فحش را از زبان خود، به یکدیگر دروغ مگوئید چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید." (کولسیان، باب ۳، آیه ۸ و ۹)

وقتی مرتکب این اعمال می شویم یعنی گناه کرده ایم. گناهان همه بر ضد خدا هستند چون از فرمان او سرپیچی می کنیم. خدا کاملاً بی گناه است و ما با گناه کردن خود را از او جدا می کنیم (اشعیا، باب ۵۹، آیه ۲) گناه فقط اعمال اشتباه نیست، وقتی کار درست را انجام نمی دهیم نیز گناه کرده ایم. "پس هرکه نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد، او را گناه است" (یعقوب، باب ۴، آیه ۱۷). خواندن کتاب مقدس، بخشنده بودن و مهربانی، ملاقات بیماران و کمک به دیگران خداوند را خشنود می سازد. ما باید تلاش کنیم تا در زندگی خود به خدا شکوه بخشیم.

خواسته های انسانی (شهوات)

ما به همراه خواسته های اساسی برای بقای نسل بشریت در درونمان بدنیا آمده ایم. برای مثال احتیاج به حس گرسنگی داریم، اما گرسنگی ما نباید تبدیل به حرص شود. روابط جنسی قسمتی طبیعی از ازدواجند. اما اگر خواسته های ما خارج از غالب ازدواج رود و به رابطه هایی بیرون از ازدواج پناه ببریم گناه کرده ایم. وقتی خودخواه شویم و راه خود را فراموش کنیم گناه می کنیم. ما باید خواسته های خود را کنترل کنیم و در غیر اینصورت گمراه می شویم: "از کجا در میان شما جنگ ها و از کجا نزاع ها پدید می آید؟ آیا نه از لذت های شما که در اعضای شما جنگ می کند؟ طمع می ورزید و ندارید، می کشید و حسد می نمایید و نمی توانید به چنگ آورید و جنگ و جدال می کنید و ندارید از این جهت که سوال نمی کنید و سوال می کنید و نمی یابید، از این رو که به نیت بد سول می کنید تا در لذات خود صرف نمایید ای زانیات، آیا نمی دانید که دوستی دنیا، دشمنی خداست، پس هرکه می خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد." یعقوب، باب ۴، آیات ۱ تا ۴

ما باید خود را همانطور که خدا می بیند ببینیم: "هر راه انسان در نظر خودش راست است، اما خداوند دل ها را می آزمايد." امثال، باب ۲۱، آیه ۲

"دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار مریض است..." ارمیا، باب ۱۷، آیه ۹

تنها زمانی متوجه نیاز خود به رستگاری می شویم که به گناه کار بودن خود پی برده باشیم.

گناه از کجا به وجود آمد؟

ابتدا خدا اولین مرد، آدم را خلق کرد. او از خاک زمین شکل گرفت: "خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد" (پیدایش، باب ۲، آیه ۷) خدا آدم را در باغ زیبای عدن قرار داد و برای او همسری آورد. خدا به آدم تنها یک دستور ساده داد: "از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، اما از



درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد" (پیدایش، باب ۲، آیه ۱۶ و ۱۷). آدم و حوا برای پیروی از فرمان خدا قدرت انتخاب داشتند. آنها می توانستند ایمان به خدا را انتخاب کنند یا از فرمان او سرپیچی کرده و میوه درخت ممنوعه را بخورند. آنها با قدرت اختیار خلق شده بودند. خدا صرفاً عروسکی بدون قدرت اختیار خلق نکرد. هدف خدا این بود که آنها راه او را با قدرت خود و از روی عشق و احترام انتخاب کنند.

مار تنها یک حیوان بود که خدا به او اجازه صحبت داد. او به حوا دروغ گفت. مار به آنها گفت که اگر میوه ممنوعه را بخورند نخواهند مرد و در عوض همانند خدا عارف نیک و بد خواهند شد. مار برای خوردن میوه به حوا اصرار نکرد. آدم و حوا هر دو قدرت اختیار داشتند. نافرمانی از خدا و خوردن میوه ممنوعه انتخاب خودشان بود بنابراین مرتکب گناه شدند.

مرگ مجازات گناه است

خدا به آدم گفته بود که اگر سرپیچی کند با مرگ مجازات می شود. پس هر دو محکوم به مرگ شدند. آدم و حوا طی مرور زمان تبدیل به موجوداتی فانی شدند. که پس از آن کار سخت و خستگی را تجربه کردند و قبل از مرگ از بیماری رنج بردند. مرگ آدم هیچ تفاوتی با مرگ ما نداشت. ما همه از نوادگان آدمیم و ذات او را دارا هستیم و ما نیز به خاطر گناهانمان می میریم: "لهذا همچنان که بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت، و به این گونه موت بر همه مردم طاری گشت ... رومیان، باب ۵، آیه ۱۲"

مرگ چیست؟

بعد از گناه آدم، خدا گفت: "... به خاک راجع گردی که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت" (پیدایش، باب ۳، آیه ۱۹) خدا آدم را از خاک زمین ساخت. بعد از مرگ آدم و حوا بدنشان پوسیده شده و به خاک تبدیل شد. هیچ بخشی از بدنشان به حیات خود ادامه نداد. مرگ مجازات خدا برای گناه است و همچنین پایان زندگی و آگاهی.

آیات زیر نشان می دهد که زمان مرگ ما چه اتفاقاتی می افتد. این آیات نشانه بی حسی و نا آگاهی انسان های مرده اند. کسانی که دیگر وجود ندارند.

آیات	متن
مزامیر، باب ۱۶، آیه ۴	روح او بیرون می رود و او به خاک بر می گردد و در همان روز فکر هایش نابود می شود.
جامعه، باب ۹، آیه ۵	زانرو که زندگان می دانند که باید بمیرند، اما مردگان هیچ نمی دانند و برای ایشان دیگر اجرت نیست چونکه ذکر ایشان فراموش می شود.
مزامیر، باب ۶، آیه ۵	زیرا که در موت ذکر تو نمی باشد در حاویه کیست که تو را حمد گوید؟
مزامیر، باب ۳۹، آیه ۱۳	روی خود را از من بگردان تا فرحناک شوم قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم.
مزامیر، باب ۱۱۵، آیه ۱۷	مردگان نیستند که پاه را تسبیح می خوانند و نه آنانی که به فراموشی می روند.

وقتی خدا حزقیایا پادشاه را از مرگش مطلع ساخت او بسیار غمگین شد. او می خواست زنده بماند چون می دانست در مرگ نابودی است. او گفت: " زیرا که حاویه تو را حمد نمی گوید و موت تو را تسبیح نمی خواند و آنانی که به حفره فرو می روند به امانت تو امیدوار نمی باشند." (اشعیا، باب ۳۸، آیه ۱۸) حزقیایا می دانست که پس از مرگش قادر به ستایش خدا نخواهد بود به همین خاطر در آیه ۱۹ گفت: " زندگانند، زندگانند که تو را حمد می گویند." به ما گفته شده که داود پادشاه بعد از مرگش به بهشت نرفت (اعمال، باب ۲، آیه ۳۴) با وجود اینکه مرغوب دل خدا خوانده شده بود. هیچ کدام از ما پس از مرگ به بهشت نمی رویم. ما به قبر می رویم، جایی که جسممان پوسیده می شود.

روح یعنی زندگی، شخص و خلق شده

کلمه "روح" معمولاً در نسخه های قدیمی کتاب مقدس کینگ جیمز زیاد بکار برده شده است. افراد زیادی به اشتباه بر این باورند که قسمتی از آنان هرگز نمی میرد و گمان می کنند که فنا ناپذیر است. (قابلیت مرگ را ندارد) اما کتاب مقدس هرگز از ارواح فناپذیر سخن نگفته است. واژه "ارواح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی شود. هیچ جاودانگی و یا "جرقه ای خدایی" در انسان ها نیست. هیچ چیزی در انسان یافت نمی شود که بعد از مرگ او به حیات ادامه دهد. جدول زیر نسخه قدیمی و جدید کتاب مقدس را برای اثبات هم معنایی کلمه روح با خلق شده و یا شخص و یا زندگی مقایسه کرده است:



خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفسی زنده شد	پیدایش، باب ۲، آیه ۷
همه نفوسی که با یعقوب به مصر آمدند که از صلب وی پدید شدند سوای زنان پسران یعقوب جمعاً شصت و شش نفر بودند	پیدایش، باب ۴۶، آیه ۲۶
اگر کسی گناه کند و کاری از جمیع نواهی خداوند که نباید کرد بکند و آن را نداند پس مجرم است و متحمل گناه خود خواهد بود.	لاویان، باب ۵، آیه ۱۷
بنابراین بنی اسرائیل را گفته ام هیچکسی از شما خون نخورد و غریبی که در میان شما ماوا گزیند خون نخورد	لاویان، باب ۱۷، آیه ۱۲
و همه کسانی که در آن بودند به دم شمشیر کشته ایشان را بالکل هلاک کرد و هیچ ذی حیات باقی نماند و حاصور را به آتش سوزانید	یوشع، باب ۱۱، آیه ۱۱
آنانی که قصد جان من دارند خجل و شرمند شوند و آنانی که در بدی من رغبت دارند رو برگردانیده و رسوا خواهند شد	مزامیر، باب ۷۰، آیه ۲
و جمله نفوسی در کشتی دویست و هفتاد و شش بودیم	اعمال، باب ۲۷، آیه ۳۷

همه کلمات خط کشیده شده در نسخه قدیمی "روح" ترجمه شده است.

همانطور که در جدول بالا دیدید روح قابلیت خوردن دارد و می تواند کاملاً نابود شود. به ما گفته شده است: "اینک همه جانها از آن منند، چنانکه جان پدر است همچنین جان پسر نیز هردو آنها از آن من می باشند. هرکسی که گناه ورزد او خواهد مرد." (حزقیال، باب ۱۸، آیه ۴) همه ارواح (مردم) گناه می کنند. پس ارواح (مردم) همه می میرند. بنابراین ارواح فناپذیر وجود ندارد. در واقع واژه روح برای حیوانات نیز به کار برده شده است. در پیدایش، باب ۱، آیه ۲۱ و ۲۴-۲۵، آیه ۱۹ و باب ۹، آیه ۱۰ کلمه عبری "روح" به معنای موجود ترجمه شده که به حیوانات اشاره دارد. همه اینها، جامعه، باب ۳، آیه ۲۰ را ثابت می کند: "زیرا که وقایع بنی آدم مثل وقایع بهایم است. برای ایشان یک واقعه است، چنانکه این می میرد به همانطور آن نیز می میرد. و برای همه یک نفس است و انسان بر بهایم برتری ندارد چونکه همه باطل هستند همه به یکجا می روند همه از خاک هستند و همه به خاک رجوع می نمایند." مرگ یک انسان و حیوان هیچ تفاوتی با هم ندارد. این پایان زندگی برای هردو آنهاست. پس از مرگ هیچ کدام از آنها وجود ندارند.

"روح" یعنی "زندگی"، "شخص"، "موجود خلق شده"

به خاطر گناه ما همه به مرگ محکومیم. پس از مرگ زندگی نمی کنیم. بعضی بر این باورند که روحشان پس از مرگ وارد جسم یک شخص دیگر و یا یک حیوان و یا یک شی می شود. این آموزه کتاب مقدس نیست. اگر بعد از مرگ بقا وجود داشت پس هیچ نیازی به فداکاری مسیح برای ما نبود. اما کتاب مقدس به ما می گوید که ما به غیر از مسیح هیچ امید زندگی نداریم، اگر این واقعیت را درک نکنیم پس هرگز متوجه عذابی که مسیح بخاطر ما متحمل شد نمی شویم، مسیح مرد تا ما را از مرگ رهایی بخشد.

خلاصه:

- ۱- گناه سرپیچی از فرمان خدا و شکست خوردن در راه درست اوست.
- ۲- خدا آدم را از خاک زمین ساخت، در بینی او دمید تا به او زندگی بخشد.
- ۳- خدا به آدم یک فرمان داد. آدم و حوا با قدرت اختیار خلق شدند و قابلیت انتخاب در اطاعت کردن از خدا را داشتند.
- ۴- آدم و حوا از خدا سرپیچی کرده و تبدیل به موجودات فانی شدند. مرگ مجازات گناه است.
- ۵- ما همه از نوادگان آدمیم پس این ذات را دارا هستیم. همه گناه کارایم و لایق مرگ.
- ۶- مرگ پایان زندگیست. مردگان قادر به تفکر و یا احساس کردن نیستند. هیچ قسمتی از انسان بعد از مرگ به زندگی ادامه نمی دهد.
- ۷- کلمه روح به معنای شخص، زندگی و مخلوق است. در مورد انسان و حیوان به کار برده شده است. عبارت روح فناپذیر در کتاب مقدس یافت نمی شود.

آیه ای برای مطالعه:

مزامیر، باب ۱۴۶، آیه ۴

بابی برای مطالعه:

اشعیا، باب ۳۸